

بررسی ریشه‌ی نامگذاری کانی‌ها

تهیه و تنظیم: ناعمه سودمند*

مقدمه

نام‌گذاری کانی‌ها، موضوع جالبی در تاریخ کانی‌شناسی است و دانستن ریشه‌ی نام‌گذاری کانی‌ها و این‌که نام کانی‌ها از کجا ناشی شده است، سؤالی است که دانش‌آموزان و دانشجویان با آن مواجه هستند. امید است با عنوان کردن ریشه‌ی برخی از کانی‌های معمول، امر یادگیری آسان شود و آنان با رغبت بیش‌تری به این شاخه رجوع کنند. امروزه، با توسعه‌ی کانی‌شناسی و شناسایی بیش‌تر کانی‌ها، نام‌گذاری کانی‌ها نیز رسمیت بیش‌تری یافته است.

کانی‌ها عموماً نام‌هایی ناآشنا دارند، اما همین نام‌های ناآشنا، نام‌های بین‌المللی آن‌هاست. زمانی که کانی‌شناسان کانی تازه‌ای کشف می‌کنند، آن را براساس چیزی که به نظرشان جذاب‌آید، نام‌گذاری می‌کنند؛ در حالی که معمول‌ترین نام‌ها نیز تعریف مشخص و ثابتی ندارند. برای مثال، گرانیت از کلمه‌ی لاتین گرانونم^۱ به معنای «دانه» مشتق شده است. در عالم زمین‌شناسی، توافق چندانی در مورد این‌که گرانیت چیست، نبوده است، در حالی که عامه‌ی مردم هر سنگ سختی را گرانیت می‌نامند [عباس آسیابان‌ها، ۱۳۷۴].

چکیده

کانی‌ها براساس ضوابط بدین ترتیب نام‌گذاری شده‌اند: الف) نام بعضی از کانی‌ها از نام محلی گرفته شده است که اولین بار کشف شده‌اند؛ مانند «تیروولیت» از «تیروول» که محلی در کشور اتریش است.

ب) نام برخی از کانی‌ها از اصطلاحات خاص برخی از کشورها گرفته شده است؛ مانند «سافیر» که از اصطلاحات خاص محلی هندوستان است.

پ) نام تعدادی از کانی‌ها از رنگ آنان در یک زبان خاص گرفته شده است؛ مانند «آلیت» که به معنی سفید است.

ت) نام بعضی از کانی‌ها مربوط به خواص ویژه‌ی آنان است؛ مانند «دیستن» که در زبان یونانی به معنی دارای «دوسختی» است.

ث) نام برخی از کانی‌ها مربوط به عناصر موجود در آن‌هاست؛ مانند «کلیست» که دارای عنصر «کلسیم» است.

ج) نام تعدادی از کانی‌ها از نام افرادی که اولین بار آن‌ها را یافته‌اند، گرفته شده است؛ مانند «براگیت» که به نام «براگ»، و «بیرونیت» به نام یابنده‌ی آن ابوریحان بیرونی نام‌گذاری شده است.

الف) نام‌گذاری براساس محل اکتشاف

نام برخی از کانی‌ها در حقیقت، نام مکانی است که برای



[۱۳۷۱].

نام کانی «اپسومیت» از نام محلی به نام «اپسوم»^{۱۴} در انگلستان گرفته شده است. اپسوم نمکی است که معمولاً از آب‌های حاوی املاح این مکان تهیه می‌شود [Blackburn and Dennen, 1990].

«کائولینیت»^{۱۵}، از ریشه‌ی کائولینگ چینی به معنای «ستیخ بلند» است که نام تپه‌ای در جاچوخاست [معزلسکو، ۱۳۸۰]. معزلسکو (۱۳۸۰)، ریشه‌ی کانی «توپاز»^{۱۶} را از جزیره‌ی «توپازوس»^{۱۷} واقع در دریای سرخ می‌داند. همچنان که معتقد است، ریشه‌ی «آلمان‌دین» احتمالاً از نام «آلاباندا»^{۱۸} در آسیای صغیر گرفته شده است.

«مسکوویت»^{۱۹}، اولین بار در سال ۱۸۵۰ توسط کانی‌شناس آمریکایی، جیمز دویت دانا^{۲۰}، در نزدیکی مسکو کشف شد. او آن را «شیشه‌ی مسکووی»^{۲۱} خواند. [Medenbach & wilk, 1986] چنین نامی به دلیل کاربرد این کانی در شیشه‌سازی در کشور روسیه بوده است [معزلسکو، ۱۳۸۰].

«آگات»^{۲۲}، از ریشه‌ی یونانی «آکاتس»^{۲۳}، از نام رودی در سیسیل ایتالیا به نام «آخایاس» گرفته شده است [قنبری، ۱۳۷۱].

نام کانی «بوکسیت»، از نام شهر کوچکی به نام «بوکس»^{۲۴}، در فرانسه گرفته شده است [قنبری، ۱۳۷۱].

ب) نام‌گذاری براساس اصطلاحات فرهنگی

نام بعضی از کانی‌ها از

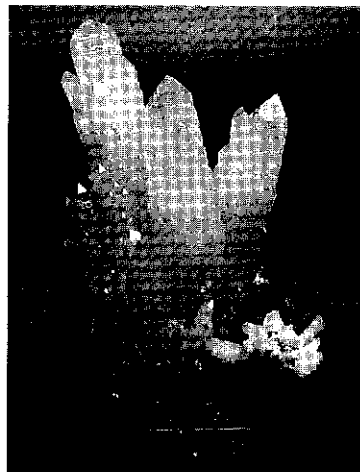
اولین بار در آن جا یافت شده‌اند و به انتهای آن پسوند «ایت» اضافه شده است. پسوند «ایت» از کلمه‌ی یونانی «لیتوس»^۲ به معنای سنگ گرفته شده است. [محمود بهزاد، ۱۳۶۰].

گاه از نام کانی‌ها، برای نام‌گذاری مکان‌ها و مناطق استفاده شده است، به طوری که برخی از نام‌های قدیمی آبادی‌های ایران، دارای چنین وجه تسمیه‌ای بوده‌اند و اکنون از آن برای پی‌جویی آن کانه استفاده می‌شود. معدن تالمیست به معنای توده‌ی مسی، در مجاورت دهی به همین نام واقع است [حسن مدنی، ۱۳۷۶].

نام کانی «آندالوزیت» از نام «آندولوزی» (اندلس) واقع در جنوب اسپانیا گرفته شده است [عباد... قنبری، ۱۳۷۱]، زیرا اولین بار آندالوزیت را در این محل پیدا کردند [عبدالحسین فرقانی، ۱۳۸۲]. «آراگونیت»^۳ از نام کشور قدیم «آراگون»^۴ واقع در شمال شرق اسپانیا مشتق شده است. این کانی در سال ۱۷۸۸ توسط آبراهام گوتلب ورنر^۵ نام‌گذاری شد [Medenbach & wilk, 1986].

کانی «وزوویانیت»^۶، اولین بار در انکلاوهای موجود در گدازه‌های آتشفشان وزوو^۷ شناسایی شد (معزلسکو، ۱۳۸۰). به خاطر شباهت آن با بعضی از کانی‌های دیگر، بلورشناس فرانسوی، هاویی^۸ آن را «ایدوکراز»^۹، مشتق از دو کلمه‌ی یونانی «ادوز»^۹ (منظره) و «کراسیس»^{۱۰} (یک مخلوط) خوانده است [فرقانی، ۱۳۸۲].

«کالسدون»^{۱۱}، از نام شهری بسیار قدیمی گرفته شده است که در زبان‌های لاتین و فرانسه به آن «کالکیدون»^{۱۲} گویند و به صورت «کالسدونیوس»^{۱۳} (کالسدونین) وارد لاتین شده است. این شهر در ترکیه‌ی امروزی واقع و «قاضی کوی» نام دارد. کالسدونین، در ادبیات فارسی به نام «کالخیدون» آمده است و واژه‌ی «عقیق» را می‌توان مترادف آن دانست [قنبری،



است که به معنای برلیان سفید است. این نام را منسوب به رنگ روشن فلز می‌دانند. در بسیاری از فرهنگ‌های کهن، نقره ارزشی بالاتر از طلا داشته است [Medenbach & wilk, 1986].

مدنباخ و ویلک (۱۹۸۶) معتقدند، طلا^{۵۳} دارای ریشه‌ی آلمانی بوده و از کلمه‌ی «گولت»^{۵۴} گرفته شده و یکی از قدیمی‌ترین فلزات شناخته شده است. بشر از ایام قدیم این فلز را به علت جلای زیبا و نیز قابلیت مفتول شدن مورد توجه قرار داده است. شواهد بیانگر آن است که مصریان سه هزار سال قبل از میلاد، از طلا استفاده می‌کردند و از آن برای ساخت وسایل بهره می‌بردند. از این نظر، مصریان این فلز را از آن خورشیدو آن را پاداشی از سوی خداوند به بندگانش می‌دانستند. رگه‌های کوارتز - طلای کریستین^{۵۵} و مناطق دیگر شمال یونان، ستون فقرات اقتصاد یونان باستان به شمار می‌رفته است و نهشته‌های رگه‌ای داسیای^{۵۶} (رومانی) به پایداری اقتصاد روم کمک کرد [مر و مدبری، ۱۳۷۹].

مگز زلسکو (۱۳۸۰) کانی «آکتینولیت»^{۵۷} را برگرفته از دو واژه‌ی یونانی «آکتس»^{۵۸} به معنای پرتو و «لیتوس»^{۵۹} به معنای سنگ می‌داند. این کانی اغلب به شکل آگرگات شعاعی دیده می‌شود.

پ) نام‌گذاری براساس رنگ

نام تعدادی از کانی‌ها، از رنگ آن‌ها در زبان‌های یونانی و لاتین گرفته شده است.

«رالنگار»^{۶۰}، در حقیقت «رهج القار»^{۶۱} بوده است که لغتی عربی، به معنای غبار معدن است. این کانی نخستین بار توسط والرئوس^{۶۲}، در سال ۱۷۴۷، به فرهنگ کانی‌شناسی راه یافت. تئوفراستوس^{۶۳} در سال ۳۱۵ سال قبل از میلاد، در کتاب خود «لایدارین»^{۶۴}، از این کانی با نام «ساندارکی»^{۶۵} نام می‌برد که بعدها از آن «سانداراک»^{۶۶} مشتق شده است. این کلمه ابتدا به صورت سانسکریت «سانداراگا»^{۶۷} به معنای رنگ ماه بوده است [Medenbach & wilk, 1986].

«سریانتین» به خاطر داشتن خال‌های سبز و ظاهر مارگونه^{۶۸}، بدین نام خوانده شد [محمود بهزاد، ۱۳۶۰].

اصطلاحات خاص کشورهای از قبیل هند، یونان و مصر گرفته شده است. «کریولیت»^{۶۵}، اولین بار در سال ۱۷۹۹ به وسیله‌ی فردی به نام پیتر کریستین آیلدگارد^{۶۶} کشف شد. او آن را «سنگ یخ»^{۶۷} نامید که معادل کلمات یونانی «کریوس»^{۶۸} به معنای سرد و «لیتوس»^{۶۹} به معنای سنگ است [Medenbach & wilk, 1986].

نام کانی «همی مورفیت»^{۷۰} در سال ۱۸۵۰ توسط زمین‌شناسان انگلیسی به کانی «کالامین» اطلاق شد. آنان علت این نحوه نام‌گذاری مجدد را تشابه کاربرد آن در مورد کانی کربنات روی^{۷۱} بیان کردند. وجه تسمیه‌ی همی مورفیت را، دیده شدن تنها نیمی از بلور کانی می‌دانند [معزز لسکو، ۱۳۸۰].

«گوگرد»^{۷۲}، از کلمه‌ی لاتین «سولفار»^{۷۳} مشتق شده است [Medenbach & wilk, 1986]. انسان اولیه از این کانی برای رنگ‌آمیزی نقاشی‌های غارها استفاده می‌کرد. در حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد، مصریان کشف کردند که از دی‌اکسید سولفور^{۷۴}، می‌توان برای سفید کردن پنبه بهره برد. [مر و مدبری، ۱۳۷۹].

«کالکوپیریت»^{۷۵}، از کلمات یونانی «کالکوز»^{۷۶} به معنای مس و «پیر»^{۷۷} به معنای آتش گرفته شده که معادل «کوپفرکیس»^{۷۸} است [Medenbach & wilk, 1986].

سولفور آنتیموئن^{۷۹} را پیلینی^{۸۰}، «استیبوم»^{۸۱} نامید که از نام‌های یونانی و لاتین «استیمی»^{۸۲} و «استیبی»^{۸۳} گرفته شده است. از این کانی در داروسازی به عنوان مسهل و ملین استفاده می‌شود [پیشین].

در انجیل سنت ژرومه نقل شده است که ایزابل (زن فتنه‌گر) با «استیبیو»^{۸۴}، صورت خود را رنگ و آرایش می‌کرد [مر و مدبری، ۱۳۷۹]. از آن‌جا که بلورهای این کانی پشته‌ی گیاهی را به بیاد می‌آورد، «آنتیموئن»^{۸۵} بدون تردید از واژه‌ی یونانی «فلوئرز»^{۸۶} گرفته شده است [کواه، ۱۳۵۴]. رضوی (۱۳۸۲) عقیده دارد، نام آنتیموئن از کلمه‌ی لاتین «آتی»^{۸۷} و «منجوس»^{۸۸} به معنی مخالف راهب گرفته شده است.

نقره^{۸۹} نیز ریشه‌ی آلمانی «سیلابار»^{۹۰} و «سیلور»^{۹۱} یا یونانی «آرگیز»^{۹۲} داشته است که خود از کلمه‌ی «آرگوز»^{۹۳} مشتق شده

می‌رفته است [معزلسکو، ۱۳۸۰].
 «ملییت»^{۹۲}، از کلمه‌ی یونانی «ملی»^{۹۳}
 به معنای غسل^{۹۴} گرفته شده که کنایه از رنگ
 روشن آن است [مر و مدبری، ۱۳۷۹].
 «پلاتین»^{۹۵}، از کلمه‌ی اسپانیولی
 «پلاتا»^{۹۶} به معنی نقره، به خاطر رنگ آن
 گرفته شده است. به این کانی طلای سفید
 نیز می‌گویند [رضوی، ۱۳۸۲]. رضوی معتقد
 است، نام کانی «اورپیمان»^{۹۷} از واژه‌ی
 لاتین «اورپیگمنتیوم»^{۹۸}، به معنی رنگ
 طلایی، اقتباس شده است. به این کانی
 زرنیخ زرد نیز گفته می‌شود.

ت) نام‌گذاری بر اساس خواص

نام برخی از کانی‌ها مربوط به خواص
 ویژه‌ی آن‌هاست. ال‌ماس^{۹۹}، در زبان
 سانسکریت به خاطر سختی، «هایروک»^{۱۰۰}
 خوانده شده است. دیاموند^{۱۰۱} از ریشه‌ی
 یونانی «آداماس»^{۱۰۲} به معنای شکست‌ناپذیر
 و از بین نرفتنی است که معمولاً در مورد
 فلزات و همه‌ی سنگ‌های دارای سختی زیاد
 به کار برده می‌شد. [Medenbach & wilk, 1986].

کانی «کوارتز»^{۱۰۳}، ریشه‌ای اسلاو داشته
 است که برای سختی به کار برده می‌شد. این
 نام از معادن بوهیمیا (چکسلواکی) در قرن
 چهاردهم میلادی مشتق شده است.
 ریشه‌ی این کانی را به کلمه‌ی «کورتز»^{۱۰۴}
 (در زبان آلمان قدیم) به معنای سخت نسبت
 داده‌اند [پیشین]. بلور این کانی از مدت‌ها
 پیش توسط بشر شناخته شده و مورد علاقه‌ی
 او بوده است. حدود ۲۰۰ سال قبل از

«آزوریت»^{۹۹} و «لازوریت»^{۷۱} - ترکیب سیلیکاته - هر دو دارای
 ریشه‌ای مشابه هستند و از کلمه‌ی «آزوروس»^{۷۱} گرفته شده‌اند که
 در زبان فارسی به معنای «آبی آسمانی» است. این کانی در سال
 ۱۸۲۴، توسط فرانکوئیس. اس. بودانت^{۷۲}، زمین‌شناس و
 کانی‌شناس فرانسوی شناسایی شد [Medenbach & wilk, 1986].

قنبری (۱۳۷۱)، نیز ریشه‌ی لازوریت را فارسی «ولازاوار»
^{۷۳} به معنای لاژورد می‌داند. در مجموع، کلمات لاتین
 «آزوروس»^{۷۴} و «لازولوس»^{۷۵}، و سپس «لایس لازولی»^{۷۶}، از
 کلمه‌ی آلمانی «لازورتین»^{۷۷} مشتق شده‌اند [پیشین].
 «ردونیت»^{۷۸}، از واژه‌ی یونانی «ردون»^{۷۹} به معنای صورتی
 است. کانی «فولریت»^{۸۰}، را مترادف این کانی می‌دانند
 [معزلسکو، ۱۳۸۰].

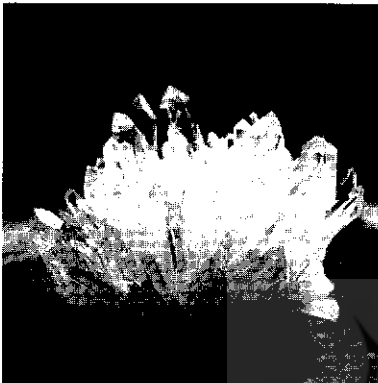
نام «مالاکیت»^{۸۱}، به دلیل رنگ سبز آن است که از کلمات
 یونانی «مالکی»^{۸۲} و «مالاکی»^{۸۳} به معنای پتیرک گرفته شده است
 [Medenbach & wilk, 1986].

ماده‌ی سبز رنگی که در نتیجه‌ی تأثیر هوا بر سطح سقف‌های
 مسی ساختمان‌های بزرگ به وجود می‌آید، قسمی «مالاکیت»
 است [بهزاد، ۱۳۶۰]. رضوی (۱۳۸۲) معتقد است، نام آن از
 «مالاک»^{۸۴}، به معنی سبزرنگ به خاطر رنگ سبز آن گرفته شده
 است.

نام کانی «فلوگویت»^{۸۵}، از واژه‌ی یونانی آتشگون، به دلیل
 رنگ آن، گرفته شده است [معزلسکو، ۱۳۸۰].

«کروسویت»^{۸۶}، به رنگ قرمز مایل به زرد کانی اشاره دارد.
 این کانی اولین بار توسط کانی‌شناس فرانسوی،
 اف. اس. بودانت^{۸۷} در سال ۱۸۳۲ نام‌گذاری شد. اصل واژه از
 کلمه‌ی یونانی «کروکوز»^{۸۸} به معنای زعفران^{۸۹} است. نام کانی
 در زبان آلمانی «روبتلریز»^{۹۰} است که ترجیحاً به خاطر رنگ و
 جلای آن است [Medenbach & wilk, 1986].

نام کانی «الیوین»^{۹۱}، نیز به دلیل رنگ سبز زیتونی آن است.
 در روزگاران کهن در مشرق زمین، نوع شفاف و قیمتی آن که به
 «پریدوتیت» (پریدوت) معروف است، به عنوان گوهر به کار



میلاد، مصریان این کانی را تراش می دادند و به شکل های زیبایی درمی آوردند و بلورهای تراش خورده و کامل کوارتز را با قاب های فلزاتی از قبیل طلا و نقره زینت می دادند [یعقوب پور، ۱۳۶۶].

«گالن»^{۱۱۵}، که بعدها به آن «گالنیت» گفته شد، دارای ریشه ی یونانی و از لغت «گالنه»^{۱۱۶} گرفته شده است. این کانی در قرن های گذشته به دلیل جلای زیبای فلزی مورد توجه خاص بود [Medenbach & wilk, 1986]. و به خاطر رنگ خاکستری، توسط مصریان باستان به عنوان سرمه مورد استفاده قرار می گرفت [مر و مدبری، ۱۳۷۹].

«ژپیس»^{۱۱۷}، در سال ۱۷۷۴ توسط شل و جان سوئدی^{۱۱۸} به طور دقیق شناسایی شد. مردم مصر باستان می دانستند، اگر پودر کانی را بسوزانند و با آب مخلوط کنند، به سرعت سخت می شود. نظیر این آگاهی را یونانیان نیز داشتند. بنابراین، کانی را «ژپیسوز»^{۱۱۹} به معنای زمین سوخته خواندند (تئوفراستوس، ۳۱۵ ق. م). طبق نوشته های پلینی، رومیان نیز آن را می سوزاندند و از آن در تولید مهر (اثر چاپ) استفاده می کردند [Medenbach & wilk, 1986].

انسان مدت هاست که از این کانی استفاده می کند. آشوریان و مصریان آن را می شناختند. برای آن ارزش قائل بودند و از آن برای اندود هرم ها استفاده کردند. شکل های آلاباستر ژپیس، از مدت ها پیش به عنوان سنگ تزئینی به کار برده می شد. در قرون وسطا، اشیای زینتی آلاباستری، مجسمه ها و محراب ها از ناحیه ی نایتینگهام انگلستان به بسیاری مناطق دیگر اروپا صادر می شد [مر و مدبری، ۱۳۷۹].

ث) نام گذاری بر اساس عناصر موجود

نام برخی از کانی ها مربوط به عناصر موجود در آن هاست. بر این اساس، «کوپریت» دارای مس^{۱۲۰} (کوپر) است. نخستین شواهد معدنکاری و ذوب کانسنگ های مس در ۶۰۰۰ - ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد در ناحیه ی «تیمنا»^{۱۲۱}، فلسطین اشغالی و ناحیه ی مجاور آن در فانیان^{۱۲۲} اردن به دست آمده است [مر و مدبری، ۱۳۷۹]. ریشه ی واژه ی مس، واژه ی «سپروس»، جزیره ی قبرس است [رضوی، ۱۳۸۲].

«نیکولیت»، سنگ معدن مهم نیکل و شکل کوتاه شده ی «کوپرنیکل» است که به زبان عامیانه خوره ی مس معنی می دهد و اولین بار توسط معدنکاران آلمانی به این نام خوانده شد؛ زیرا تصور آنان بر این بود که نیکولیت حاوی مس است [مر و مدبری، ۱۳۷۹]. رضوی (۱۳۸۲) معتقد است، نام نیکولیت از کلمه ی لاتین «نیکولوم»^{۱۲۳} گرفته شده و به خاطر وجود نیکل در ترکیب آن، چنین نام گذاری شده است.

ج) نام گذاری بر اساس نام کاشفان و بزرگان

«بیوتیت»^{۱۲۴}، به افتخار فیزیکدان فرانسوی، جی. بی. بیوت^{۱۲۵} نام گذاری شد [عباد... قبری، ۱۳۷۱]. نام «دولومیت»^{۱۲۶}، به افتخار نام دودات دو دولومیه^{۱۲۷} (۱۸۰۱ - ۱۷۵۰)، زمین شناس فرانسوی بوده است (H.Blackburn and H.Dennen, ۱۹۹۰).

«اسمیت زونیت»^{۱۲۸}، اولین بار توسط فرانسیس. اس. بودانت^{۱۲۹} در سال ۱۸۳۲ نام گذاری شد. او نام کانی را به افتخار شیمیدان و کانی شناس انگلیسی، به نام جیمز ال. ام اسمیت زون^{۱۳۰} نام گذاری کرد [Medenbach & wilk, 1986].

«کولیت» به نام کاشف آن کولین، کانی شناس ایتالیایی نام گذاری شد [مدنی و شفیقی، ۱۳۶۷]. کانی «استفانیت»^{۱۳۱}، به یاد آرکدوک استفان^{۱۳۲}، اهل کشور استرالیا، نام گذاری شده است. این کانی در محلی به نام هونور^{۱۳۳}

در کشور اتریش کشف شد [Medenbach & wilk, 1986].
 «سیلویت»^{۱۲۴}، احتمالاً به افتخار سیلوپوس^{۱۲۵}، پزشک
 هلندی نام گذاری شده است [سیدمحمد حسین رضوی، ۱۳۸۲].

چ) نام گذاری بر اساس افسانه و اسطوره

«وانادینیت»، اولین بار در سال ۱۸۳۸، توسط کانی شناسی
 به نام فرانس وان کوبیل^{۱۲۶} شناسایی شد. در حالی که کشف عنصر
 «وانادیم» توسط شیمیدان سوئدی، نیلز جی. سفسترام^{۱۲۷}، در
 سال ۱۸۳۰ انجام گرفت. او نام این عنصر را «وانادیس»^{۱۲۸}
 نامید [Medenbach & wilk, 1986] [قنبری، ۱۳۷۱]، وانادیس را
 الهه‌ی عشق مردم اسکاندیناو معرفی کرده است و این که مردم
 اسکاندیناو آن را خواهر خدای صلح و ثمربخش سرزمین های
 شمالی می دانند.

«آمتیست»^{۱۲۹}، در قرون وسطا به این نام خوانده شد و علت
 آن نیرویی است که به آن در صیانت از هستی نسبت می دهند. در
 فارسی این کانی را یاقوت بنفش یا در کوهی بنفش می خوانند [کاهه،
 ۱۳۵۴].

نام کانی «هماتیت»^{۱۳۰}، از کلمه‌ی یونانی «هیما»^{۱۳۱} به معنای
 خون گرفته شده است. بابلیان و مصریان از این کانی به عنوان
 جواهر و یا چیزی برای شکستن طلسم و جادو استفاده می کردند.
 آنان همچنین، از این کانی برای درمان بسیاری از بیماری ها بهره
 می گرفتند. در اثر ترکیب شدن پودر کانی و آب، مایع حاصل
 ظاهری شبیه قرمز خونی تیره می یابد. تئوفراستوس در سال ۳۱۵
 ق. م در «لایپدارین»^{۱۳۲}، از این کانی به نام «هامتیتیس»^{۱۳۳} یا
 سنگ خون نام می برد. از کانی مزبور برای درمان اختلالات
 چشمی استفاده می شده است. به این منظور آن را آسیاب و با
 عسل مخلوط می کردند [Medenbach & wilk, 1986]. [سید محمد
 حسین رضوی (۱۳۸۲)] ریشه‌ی واژه را «هیما تیکوز» به معنی خون،
 به دلیل رنگ قرمز نمونه های خاکی آن می داند.

ریشه‌ی واژه‌ی «فناسیت»^{۱۳۴} را «فناکس»^{۱۳۵} به معنای فریبنده
 می دانند؛ زیرا رنگ زیبای درد شرابی کانی، ظرف چند ساعت
 می پرد [کاهه، ۱۳۵۴]. معززلسکو و دیگران (۱۳۸۰)، علت
 نام گذاری آن را به شباهت کانی از لحاظ وزن مخصوص کم و

رنگ به کانی کوارتز نسبت می دهند و از آن
 به عنوان جواهر یاد می کنند.

ریشه‌ی واژه‌ی «نفریت»^{۱۳۶}،
 «نفروز»^{۱۳۷} به معنای کلیه است و از یک
 عقیده‌ی قرون وسطایی گرفته شده است
 که به آن خاصیت درمان ناخوشی های کلیه
 را نسبت می دهد [کاهه، ۱۳۵۴].

کانی «سودالیت»^{۱۳۸}، از ریشه‌ی
 عربی «سودا»^{۱۳۹} به معنای کاستن
 بیماری سرد است. از ترکیبات سودا،
 برای درمان بیماری سرد استفاده
 می شود [H. Blackburn and H. Dennen,
 1990].

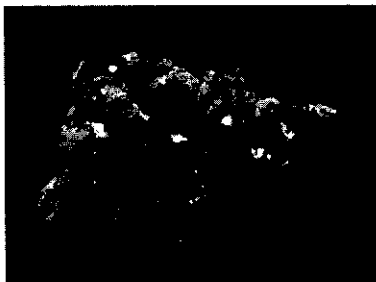
ریشه‌ی برخی از کانی ها همچنان
 ناشناخته باقی مانده و اطلاع دقیقی در
 مورد آنها در دسترس نیست. نام کانی
 «بریل»^{۱۴۰}، منشأ یونانی دارد، ولی معنی
 آن ناشناخته است [فرقانی، ۱۳۸۲].

نام «منیزیت» احتمالاً از ترکیب
 شیمیایی آن گرفته شده است. برخی
 معتقدند که نام آن از ناحیه‌ی «مگنزی»^{۱۴۱}
 در یونان اقتباس شده است. به این کانی،
 «ژئوبریت»^{۱۴۲} نیز گفته می شود [رضوی،
 ۱۳۸۲].

نام کانی ها، موضوع جالبی در تاریخ
 کانی شناسی و شیمی است. انجمن های
 بین المللی کانی شناسی با همکاری
 انجمن های فرعی، در بسیاری از کشورها
 مسؤول اعتبار انواع کانی ها و نام های
 آن هاست و مجلات حرفه‌ای کانی شناسی
 در نوبت های معین، تصمیمات انجمن را
 درباره‌ی نام های کانی ها و اطلاعات
 جدید، گزارش می دهند.

۱۳۷۱

13. H. Blackburn w and H.Dennen w. Princlpe Of Mineralogy. wm C Brown. Uneversal Book stall. New Dehli. 1990.
14. Medenbach, Olaf & Wilk, Harry. The Magic Of Mineralogy. Springer 1986.



زیرنویس :

1. Granum
2. Lithos
3. Aragonite
4. Aragon
5. Abraham Gottlob Werner
6. Vesuvianite
7. Vesuve
8. Haüy
9. Eidos
10. Krasis
11. Calcedoine
12. Khalkedon (CHALCEDONY)
13. Calcedoinius
14. Epsom
15. Kaolinite
16. Topaz
17. Topazion
18. Alabanda
19. Muscovite
20. James Dwight Dana
21. Moscow Glass (Vitrum Muscoviticum)

22. Agat
23. Akhates
24. Baux
25. Cryolite
26. Peter Christian Abildgaard
27. Ice Stone
28. Kryos
29. Lithos
30. Hemimorphite
31. Smith Sonite
32. Sulfur
33. Sulphur
34. So₂
35. Chalcopryrite
36. Chalkos
37. Pyr
38. Kupferkies
39. Stibnite
40. Pliny
41. Stibium
42. Stimmi
43. Stibi

در پایان، از زحمات بی‌شائبه‌ی آقای دکتر منصور خواجه، استادیار محترم دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان برای ارائه‌ی راهنمایی‌های لازم، سپاس‌گزاری می‌کنم.

* دانش‌آموخته علوم تجربی

دبیر و دانش‌آموخته علوم تجربی شهرستان گرگان

منابع :

۱. بهزاد، محمود. راهنمای تشخیص کانی‌های جهان. انتشارات محیط‌زیست و همکاری مرکز نشر دانشگاهی. تابستان ۱۳۶۰.
۲. معززلسکو، ضرغام. کانی‌شناسی عمومی و سیلیکات‌ها. ج ۱. انتشارات واژگان خرد. مشهد. چاپ اول. ۱۳۸۰.
۳. آسیابان‌ها، عباس. بررسی میکروسکوپی سنگ‌های آذرین و دگرگون. انتشارات دانشگاه بین‌المللی امام خمینی. تابستان ۱۳۷۴.
۴. فرسمن، الکساندر. زمین‌شیمی برای همه. ترجمه‌ی صادق حداد کاوه. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۵۴.
۵. مدنی، حسن و شقیقی، سیروس. زمین‌شناسی عمومی. دانشگاه صنعتی امیرکبیر. تهران. چاپ پنجم. ۱۳۶۷.
۶. لوتگن، فردریک ک. و تارپوک، ادوارد جی. مبانی زمین‌شناسی. ترجمه‌ی رسول اخروی. انتشارات مدرسه. تهران. چاپ پنجم. ۱۳۷۹.
۷. رضوی، سیدمحمدحسین. کانی‌شناسی غیر سیلیکات‌ها. دانشگاه تربیت معلم. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۲.
۸. فرقانی، عبدالمحسین. کانی‌شناسی. ج ۱: نروسیلیکات‌ها تا اینوسیلیکات‌ها. انتشارات دانشگاه تهران. تهران. چاپ پنجم. ۱۳۸۲.
۹. معززلسکو، ضرغام و دیگران. فرهنگ کاربردی تشخیص کانی‌ها. انتشارات بنفشه. ۱۳۸۰.
۱۰. یعقوب‌پور، عبدالمجید. مبانی زمین‌شناسی اقتصادی. مرکز نشر دانشگاهی. تهران. ۱۳۶۶.
۱۱. اوانز، انتونی ام. مبانی زمین‌شناسی اقتصادی و اثرهای زیست‌محیطی آن. انتشارات آستان قدس رضوی. ۱۳۷۹.
۱۲. قنبری، عبادالله. فرهنگ علوم زمین. مؤسسه‌ی انتشارات و تحقیقات ذوقی.

- | | |
|----------------------------|-------------------------------|
| 93. Meli | 43. Stibio |
| 94. Honey | 44. Antimoine |
| 95. Platinum | 45. Fleurs |
| 96. Plata | 46. Anti |
| 97. Orpiment | 47. Monchus |
| 98. Ouripigmentum | 48. Silver |
| 99. Diamond | 49. Silabar |
| 100. Hirok | 50. Silubr |
| 101. Diamond | 51. Argyros |
| 102. Adamas | 52. Argos |
| 103. Quartz | 53. Gold |
| 104. Quertz | 54. Gulth |
| 105. Galena | 55. Krissites |
| 106. Galene | 56. Dacia |
| 107. Gypsum | 57. Actinolite |
| 108. Gypsos | 58. Actis |
| 109. Swedes Gahn and Sheel | 59. Lithos |
| 110. Copper | 60. Realgar |
| 111. Timna | 61. Rahj Al ghâr |
| 112. Feinan | 62. Joh. Gottschalk Wallerius |
| 113. Niccolom | 63. Theophrastus |
| 114. Biotit | 64. Lapidarien |
| 115. J. B. Biot | 65. Sandarke |
| 116. Dolomite | 66. Sandarach |
| 117. Deodat de Dolomieu | 67. Candarağa |
| 118. Smith Sonite | 68. Serpent |
| 119. Francis S. Budant | 69. Azurite |
| 120. James L.M Smith Son | 70. Lazurite |
| 121. Stephanite | 71. Azurius |
| 122. Archduke Stephan | 72. Francois S.Beudant |
| 123. Honor | 73. Lazawar |
| 124. Sylvine | 74. Lazurius |
| 125. Sylvios | 75. Lazulus |
| 126. Frunzvon Kobell | 76. Lapis Lazuli |
| 127. Nils G.Sefström | 77. Lazurstein |
| 128. Vanadis | 78. Rhodonite |
| 129. Amethyste | 79. Rhodon |
| 130. Hematite | 80. Fowlerite |
| 131. Haima | 81. Malachite |
| 132. Lapidarien | 82. Malche |
| 133. Haemetitis | 83. Moloche |
| 134. Phenacite | 84. Malache |
| 135. Phenax | 85. Phlogopite |
| 136. Nephrite | 86. Crocoite |
| 137. nephros | 87. F.S.Beudant |
| 138. Sodalite | 88. Krokos |
| 139. Suda | 89. Saffran |
| 140. Béryl | 90. Rotbleierz |
| 141. Magnesia | 91. Olivine |
| 142. Giobertite | 92. Melilite |

